

اخبار دربارهٔ قطعی برق یا کمبود آب چه واقعی باشد چه جعلی، یک کارکرد بیشتر ندارد

مسابقهٔ ارسال سیگنال ضعف



علی ملکی

چیرنگار گروه سیاست

اسکار نقش بهترین سستون پنجم ترامپ می رسد به عاملان ناکارآمدی و فیک‌نیوزهایی که این روزها گریبان مردم ایران را گرفته و رها نمی کنند. اگر قبلاً در باره صحت اخبار جزئی شک داشتیم، حالا دامنه تردید به موضوعاتی رسیده که مردم بیشترین حساسیت را نسبت به آن دارند. روزیکشنبه (۱۸ فروردین) محمدجواد آذری جهرمی، وزیر سابق ارتباطات و عضو ستاد انتخاباتی پزشکیان در کانال تلگرامی خوداز انتشار جدول خاموشی‌های برق در آغازین روزهای سال خبرداد و رسانه‌های مختلف نیز آن‌را پوشش دادند. حتی جدول‌هایی منتشر شد که خوشبختانه حقیقت نداشت و شوربختانه سوهان روح مردم شد. با این حال صبح روز گذشته روابط عمومی شرکت‌توانیر انتشار هرگونه جدول خاموشی را تکذیب کرد؛ اما مردم برخی از نقاط کشور از قطعی برق در محل زندگی خود خبر دادند. از سوی دیگر مدیران برخی از شرکت‌های توزیع برق در استان‌ها به‌صورت رسمی جزئیات قطع برق را اعلام کرده‌اند.

■ ■ ■

■ **باید قطع‌ووصلی اخبار خاموشی را هم تحمل کنیم؟**

انتقاد آذری جهرمی از اعمال خاموشی برق در روزهای ابتدایی سال همراه با موجی از اخبار مربوطه شد. او در این خصوص نوشت: «درحالی‌که ظرفیت تولید نیروگاه‌های برق کشور نزدیک به ۹۴ هزار مگاوات است و میزان مصرف برق در این روزهای سال حداکثر حدود ۴۸ هزار مگاوات، اعمال خاموشی به مشترکان در این ماه از سال جای بررسی و تأمل دارد.» از همان روز، جدول‌هایی با عنوان «برنامه خاموشی سراسری در فروردین» در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد؛ جدول‌هایی که هرچند جعلی بودن برخی از آن‌ها معلوم شد اما حسن نگرانی و سردرگمی را در میان مردم پخش کردند.

صبح‌روز بعد روابط عمومی شرکت‌توانیر اخبار مربوط به انتشار جدول‌های خاموشی برق را تکذیب کرد. خبرگزاری ایسنا با پیگیری از توانیر در این باره نوشت که هیچ جدول رسمی در این زمینه منتشر نشده‌و صورت‌وقوع خاموشی، حتماً اطلاع‌سانی رسمی انجام خواهد شد. مصطفی رجبی مهدی، مدیرعامل توانیر اخیراً توضیح داده بود که خشکسالی، کاهش ظرفیت نیروگاه‌های برقی‌آبی، تعمیرات ضروری نیروگاه‌ها و رشد ۶ درصدی مصرف برق شرایط را دشوار کرده است. او گفته بود: «امسال تنها از یک‌سوم ظرفیت برقی‌آبی می‌توانیم استفاده کنیم و ۳۰ درصد نیروگاه‌ها به دلیل عمر بالا نیاز به تعمیرات اساسی دارند.» با این حال تا لحظه نگارش این گزارش هیچ برنامه مشخصی برای خاموشی اعلام نشده اما گزارش‌هایی از قطعی‌های پراکنده‌در برخی مناطق کشور منتشر شده است. شرکت توزیع برق تهران هم تأکید کرده که در پایتخت هیچ برنامه خاموشی تعریف نشده و در صورت نیاز، اطلاع‌سانی خواهد شد. این بلا تکلیفی فضا را برای شایعه‌پراکنی باز گذاشته است.

در نهایت دو حالت برای این اخبار وجود دارد؛ یا شایعه است که این حجم شایعه‌پراکنی روان مردم را به هم می‌ریزد و از حد تحمل خارج شده؛ یا حقیقت دارد که در آن صورت،

تصاویر سوزاندن خبرنگاران در غزه دنیا را تکان می‌دهد؟

قنوس خبر

رژیم صهیونیستی که از آغاز جنگ غزه تاکنون چندین بار رکورد کشتار خبرنگاران را جابه‌جا کرده است؛ روز گذشته طی اقدامی جنایتکارانه، چادر خبرنگاران را در محوطه بیمارستان ناصر در نوار غزه هدف بمباران قرار داد تا ماجرایی هدف قرار دادن خودروی خبرنگاران شبکبه «قدس الیوم» در مجاورت بیمارستان العوده را این بار به طرز فجیع‌تری تکرار کرده باشد. این حمله منجر به شهادت دو خبرنگار و زخمی شدن چندین نفر دیگر شد. تصاویر دلخراشی که از این جنایت در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، نشان‌دهنده لحظه‌ای وحشتناک بود که یکی از خبرنگاران در مقابل دوربین‌ها در آتش زنده زنده درحال سوختن بود. این صحنه‌ها یادآور تصاویر مشابهی شدند که از حمله اسرائیل به چادر آوارگان در اردوگاه رفح منتشر شده بود؛ تصاویری که جهانیان را در بهت و حیرت فرو برد، اما واکنش قاطعی از سسوی دولت‌های غربی در پی نداشت تا نتانیاهو برای تکرار آن مانعی در مقابل خود نبیند. این جنایات، نمادهایی از این واقعیت هستند که آزادی بیان در غرب، چیزی بیش از ابزاری برای پیشبرد منافع سیاسی نیست.

■ ■ ■

■ **اسرائیل رکورد خودش در کشتار خبرنگاران را به‌روز کرد**

این حمله در حالی صورت گرفت که از آغاز جنگ غزه در اکتبر ۲۰۲۳، تعداد خبرنگاران کشته‌شده توسط اسرائیل به ۲۱۰ نفر رسیده است. از زمان آغاز جنگ در نوار غزه در سال ۲۰۲۳ خبرنگاران به یکی از اصلی‌ترین قربانیان این درگیری تبدیل شده‌اند. این جنگ که اکنون بیش از یک سال و نیم از آن می‌گذرد، به گفته سازمان‌های حقوق بشری و رسانه‌ای، مرگبارترین دوره برای اصحاب رسانه در تاریخ معاصر بوده است. تا امروز، گزارش‌ها حاکی از کشته شدن ۲۱۰ خبرنگار در غزه است. آمار بی‌سابقه که نشان‌دهنده هدف‌گیری عمدی و سیستماتیک این گروه توسط نیروهای اسرائیلی است.

■ **یک الگوی تکراری**

پیش از جنایت اسرائیل در بیمارستان ناصر این رژیم در اقدامی مشابه خودروی پخش زنده شبکبه «قدس الیوم» را در نزدیکی بیمارستان العوده هدف قرار داده بود. ارتش اسرائیل مدعی است که از تسلیحات «هدفمند» برای این عملیات استفاده کرده و هدفش اعضای گروه‌های مسلح بوده است. اما تصاویری از خودروی سوخته متعلق به شبکه «قدس الیوم» که در نزدیکی بیمارستان العوده در اردوگاه نصیرات هدف قرار گرفته بود، نشان می‌دهد که این حملات به‌صورت آگاهانه و مستقیم علیه خبرنگاران انجام شده است. این الگوی هدف‌گیری خبرنگاران از سسوی اسرائیل، پیش‌تر نیز در مواردی چون شهادت عصام عبدالله و حمزه الدلدوح در جنوب لبنان مشاهده شده بود. در حمله یونخانه‌ای رژیم صهیونیستی در منطقه «اعمالا الشعب» در جنوب لبنان عصام عبدالله به شهادت رسید و تعدادی نیز مجروح شدند. این خبرنگار شهید و سه همکارش در حالی که با خودروی خود در منطقه عملالشعب در حال پوشش رسانه‌ای جنایات رژیم صهیونیستی بودند، هدف گلوله توپ این رژیم قرار گرفتند. مطابق آنچه سازمان گزارشگران بدون مرز اعلام کرده است، این حمله از ضلع شرقی محل استقرار این خبرنگار و از سمت مرز اسرائیل انجام شده ووقع دو حمله به همین مکان ظرف کمتر از ۳۰ ثانیه به وضوح از حمله هدفمند حکایت داشته است. همچنین حمزه



وضع اسفناک است. در فروردین ماه، نه آن چنان سرمایه‌ی هست که مصرف گاز بالا برود، نه گر مالی که کویر ها روشن شوند، خاموشی در این شرایطی سابقه است، اگر در این ماه خاموشی داشته باشیم تکلیف ماههای بعدو تابستان چه خواهد شد؟

■ **فیک‌نیوزها در کمین آب و آرامش**

برق برای فیک‌نیوزها کافی نبود و آن‌ها سراغ آب هم رفتند. اواخر سال گذشته چند کلیپ از بلاگرها در باره وضعیت سد کرج (امیرکبیر) در فضای مجازی پخش شد که مخزن این سد را در آستانه خالی شدن نشان می‌داد. این ویدئوها، بحران آب تهران را به تیر یک رسانه‌ها تبدیل کردند و البته مقامات مسئول هم در این زمینه ابراز نگرانی کردند. همان زمان اما حجت میان‌آبادی، پژوهشگر دیپلماسی آب این موضوع را زیر ذره‌بین برد در شبکه اجتماعی ایکس با طرح این پرسش که «آیا وضعیت آبی امسال واقعا بدتر از پارسال است؟» با استناد به آمار گفت که پرشدگی سدهای تهران تا نیمه اسفند سالی که گذشت، ۱۱درصد بیشتر از سال ۱۴۰۲ بوده و بارش در استان البرز هم تنها ۰٫۷ درصد کاهش داشته است. میان‌آبادی توضیح داد که در زمستان، ورودی آب به سد کرج به‌طور طبیعی کم است و حجم اصلی آب با بارش‌های بهاری و ذوب برف‌ها در فروردین و اردیبهشت تأمین می‌شود. میان‌آبادی هشدار داد که سوءمدیریت و تعارض منافع در سیاست‌گذاری آب، امنیت آبی کشور را به خطر انداخته است. این پروژه‌ها به اسم مقابله با بحران نه‌تنها راه‌حل نیستند بلکه خود مسائل جدیدی خلق می‌کنند.

این شایعه‌ها چه‌در باره برق و چه آب تضعیف اعتماد عمومی را با نشان دادن ناکارآمدی

که همه تصمیمات به‌نظام‌بازی می‌گردد و مسئولیت هر نتیجه‌ای در آینده بر عهده‌نظام خواهد بود؛ دوم، خلع ید و تضعیف جایگاه دولت با این تلقی که رای و اراده مردم بی‌اثر است و در نهایت، تصمیم‌گیران دیگری مسیر را تعیین می‌کنند. به نظر می‌رسد هدف منتشرکنندگان این دست شایعات، سلب مسئولیت از برخی بازیگران سیاسی و انداختن بار همه امور بر دوش نظام است. از سویی با ایجاد دویارگی جعلی در فضای دیپلماسی تلاش می‌شود تیم مذاکره‌کننده احتمالی تحت فشار قرار گیرد. این دویارچسمازی ساختگی نه‌تنها اعتماد عمومی را نشانه می‌گیرد بلکه می‌خواهد این تصور را القا کند که میان تصمیم‌گیران اختلاف‌نظرهایی اساسی وجود دارد؛ حال آنکه تکذیب‌ها خود گواهی بر بی‌اساس بودن این ادعاهاست. در میان این تکذیب‌ها آنچه بیش از همه آسیب می‌بیند آرامش روانی جامعه است.

■ **ستون پنجم جنگ ترکیبی علیه ایران**

فیک‌نیوزها در ایران این روزها فقط خبر جعلی پخش نمی‌کنند؛ بلکه بخشی از یک جنگ ترکیبی حساب‌شده‌اند که در راستای سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ علیه ایران عمل می‌کنند. این شایعات از قطعی برق و بحران آب گرفته تا بازگشت ظریف به صحنه دیپلماسی انگار نقش ستون پنجم را بازی می‌کنند؛ نیرویی که از درون، اعتماد عمومی را می‌لرزاند و روان جامعه را تضعیف می‌کند تا فشار خارجی آمریکا اثر بیشتری بگذارد. استراتژی فشار حداکثری ترامپ که حالا با بازگشت او به قدرت دوباره جان گرفته فقط به تحریم و تهدید نظامی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه جنگ روانی و اطلاعاتی را هم به کار گرفته تا ایران را از درون شکنندتر کند. این فیک‌نیوزها چه‌اگاهانه هدایت‌شوند چه ناخواسته به‌دام این بازی بیفتند دقیقاً همان شک‌فاهایی را هدف می‌گیرند که مردم بیشترین حساسیت را به آن دارند.

در ماجرای برق، محمدجواد آذری جهرمی می‌گوید با این ظرفیت تولید و مصرف، خاموشی در فروردین عجیب است. بعدش جدول‌های جعلی خاموشی پخش می‌شود و هرچند توانیر تکذیب می‌کند؛ اما قطعی‌های پراکنده در برخی مناطق، مردم را به این فکر می‌اندازد که تابستان‌شان چطور خواهد گذشت. ششایعه پیرامون ظریف و مذاکره با آمریکا و تکذیب‌های بعدی هم نه‌تنها می‌تواند فضای دیپلماسی را تحت تأثیر قرار دهد بلکه این پیام را می‌فرستد که همه چیز دست‌نظام است و دولت‌ورأی مردم بی‌اثر. این دقیقاً همان چیزی است که در جنگ ترکیبی ترامپ کار می‌کند؛ تضعیف انسجام داخلی، فشار به تصمیم‌گیران و القای ناکارآمدی. این شایعات چه از داخل پخش شوند و چه از بیرون نذله‌ی شوند مثل موجی عمل می‌کنند که با هر تکذیب یک لایه از اعتماد عمومی را می‌شویند و می‌برند. آن‌ها می‌خواهند مردم به همه‌چیز شک کنند، از نهاده‌ها ناامید شوند و فشار حداکثری خارجی با کمترین مقاومت داخلی جواب‌دهد. ترامپ در دور اولش نشان داد که جنگ روانی را خوب بلد است؛ از خروج از برجام تا تحریم‌ها و فاند‌های میلیون‌لاری که به جیب ایران ستیزان واریز می‌کرد. حالا هم این فیک‌نیوزها چه با هدایت مستقیم چه با سوءاستفاده از خلأ اطلاع‌سانی صحیح داخلی، به ستون پنجمش تبدیل شده‌اند. در روزهایی که اقتصاد و معیشت مردم زیر فشار است این شایعات نمک بر زخمند و آرامش را از جامعه می‌گیرند.

■ **تکرار فاجعه انسان‌سوزی**



برای کشتار مردم خودش نیز پروتکل جنگی هانیبال را به اجرا درمی‌آورد تا مبدا سیاستمداران برای حفظ جان آن‌ها تحت فشار قرار بگیرند.

■ **تکرار فاجعه انسان‌سوزی**

یکی از هولناک‌ترین حوادثی که در ماه‌های اخیر در جریان جنگ غزه رخ داد و شباهت تکان‌دهنده‌ای به بمباران اخیر چادر خبرنگاران دارد، حمله اسرائیل به چادرهای آوارگان در اردوگاه رفح بود که در آن ده‌ها فلسطینی زندمنزده در آتش سوختند. این فاجعه زمانی آغاز شد که ارتش اسرائیل با ادعای هدف‌گیری «مواضع حماس»، بمب‌هایی را بر اردوگاه آوارگان در منطقه تل السلطان در رفح پرتاب کرد. اما آنچه در واقعیت رخ داد، چیزی جز یک جنایت جنگی آشکار نبود؛ چادرهای موقت که محل پناه صدها خانواده آواره بود، در شعله‌های آتش فرو رفتند و تصاویری دلخراش از انسان‌هایی که در میان فریاد و استیصال در آتش می‌سوختند، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. دست‌کم ۴۵ نفر، از جمله زنان و کودکان، در این حمله جان باختند و بیش از ۲۰۰ نفر دچار سوختگی‌های شدید شدند. آتش به‌سرعت در میان چادرهای ساخته‌شده از مواد قابل اشتعال گسترش یافت و بسیاری از قربانیان حتی فرصتی برای فرار پیدا نکردند. اسرائیل پس از این حمله مدعی شد که این عملیات «هدفمند» بوده و هدفش دو عضو ارشد حماس بوده است، اما گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل، این ادعا را رد کردند و این اقدام را نقض آشکار قوانین بین‌المللی توصیف کردند. شباهت این جنایت با بمباران اخیر چادر خبرنگاران در بیمارستان ناصر، نشان‌دهنده الگوی سیستماتیک در رفتار اسرائیل است. الگویی که پس از حمله به بیمارستان‌ها و آمبولانس‌ها اکنون هف قرار دادن چادر خبرنگاران را نیز به عنوان یک پروتکل جنگی پذیرفته است.

■ **آزادی بیان در حصار آتش**

آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی اش در برابر جنایات پی‌درپی اسرائیل در غزه، لب‌فرو بیسته‌اند و این خاموشی نه‌تنها راه را برای تداوم تجاوزات اسرائیل هموار کرده، بلکه پرده از تناقض عمیق میان شعارهای دیرپای غرب درباره دموکراسی و آزادی بیان برداشته است. صحنه جان‌سوز سوختن یک خبرنگار پیش چشم دوربین‌ها، چون آینه‌ای شکسته، فروپاشی ادعاهای آزادی‌خواهانه غرب را به تصویر کشیده است. در حالی که کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده، خود را پرچم‌دار دفاع از حقوق رسانه‌ها می‌دانند، بی‌تفاوتی‌شان به قتل هدفمند خبرنگارین در غزه، دورویی آشکاری را که منتقدان سال‌هاست فریاد می‌زنند، عیان می‌سازد. جنایات اسرائیل، با پشتیبانی پیدا و پنهان آمریکا و اروپا، چهره واقعی این به‌اصطلاح «آزادی» را به رخ جهانیان کشیده است. خبرنگاران که در گوشه‌و کنار جهان نگهبانان حقیقت خوانده می‌شوند، در غزه به سبیل اصلی تبدیل شده‌اند. در این میان، بنیامین نتانیاهو، سکان‌دار اسرائیل، راهی آمریکا شده تا از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور، چتر حمایتی گسترده‌تری طلب کند. نتانیاهو به دنبال تثبیت روایتی است که این جنایات را با برچسب «جنگ علیه تروریسم» سفید کند. حال آنکه افکار عمومی جهان شاهد خفقان حقیقت و قتل‌عام بی‌رحمانه بی‌گناهان بوده و به روش‌های مختلف صدای اعتراض خود را بلند کرده است که آخرین نمونه آن نیز چیدن بیش از ۱۷ هزار و ۴۰۰ جفت کفش در مقابل کاخ سفید به یاد کودکان کشته‌شده در غزه است.

بین‌المللی، بلکه هشداری به جهان است که سرکوب حقیقت، بخشی جدانشدنی از این جنگ است.

■ **پروتکل خبرنگارکشی**

حمله اخیر رژیم صهیونیستی به چادر خبرنگاران در بیمارستان ناصر غزه که منجر به شهادت دو خبرنگار و زخمی شدن چندین نفر دیگر شد، نه یک حادثه بلکه بخشی از یک پروتکل جنگی طولانی مدت و عمدی در هدف‌گیری رسانه‌ها توسط اسرائیل است که پیش از آغاز جنگ در سال ۲۰۲۳ تعیین شده است. اسرائیل به‌طور سیستماتیک تلاش کرده تا صدای کسانی که حقیقت را از مناطق جنگی گزارش می‌دهند، خاموش کند؛ سیاستی که با ادعای دموکراسی و آزادی بیان در تضاد آشکار قرار دارد. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها، کشتار شیرین ابوعاقله، خبرنگار برجسته الجزیره، در ۱۱ می ۲۰۲۲ است. ابوعاقله، که به‌دلیل گزارش‌هایش از کرانه باختری شناخته شده بود، هنگام پوشش خبری یک عملیات نظامی در جنین، با شلیک مستقیم یک تکتیرانداز اسرائیلی به سرش کشته شد. او جلیقه‌ای با علامت واضح «PRESS» به تن داشت، اما این امر مانع از هدف‌گیری عمدی او نشد. تحقیقات بعدی، از جمله گزارش سازمان ملل، تأیید کرد که هیچ تهدیدی از سوی او یا همکارانش وجود نداشته و این قتل عامدانه بوده است. با این حال، اسرائیل هرگز مسئولیت کامل را نپذیرفت و هیچ‌کس به‌طور جدی محاکمه نشد. مورد دیگر به بمباران برج الجلاء در غزه در ۱۵ می ۲۰۲۱ بازمی‌گردد؛ ساختمانی که دفتر الجزیره و آسوشیتدپرس را در خود جای داده بود. ارتش اسرائیل با ادعای وجود «اهداف نظامی» در این برج، آن را با خاک یکسان کرد، اما هیچ مدرکی برای اثبات این ادعا ارائه نشد. این موارد نشان می‌دهد که کشتار خبرنگاران یک پروتکل جنایتکارانه در ارتش رژیم است که حتی